

شیخ خزعل از بنی کعب متحد آنها بود، حمله بردند. در اواخر دهه ۱۳۲۰ ش، تمام آنها تقریباً در شصت روستا ساکن شده‌اند (— اینها، ج ۳، ص ۳۵۶، ج ۴، ص ۹۱-۸۹).

دسته‌های کوچکی از قبیله باویه در میان طوایف دیگر ایران و عراق پراکنده‌اند؛ از جمله تیره‌ای از ایل عرب را تشکیل می‌دهند که خود یکی از ایلات خمسه است (عزازی، ج ۴، ص ۱۹۱-۱۹۲؛ اینها، ج ۴، ص ۹۲).

منابع: عباس عزازی، *عشائر العراق*، بغداد ۱۹۲۷، ۱۹۵۶.

H. Field, *Contributions to the Anthropology of Iran*, Chicago 1939; Great Britain. Admiralty, *Persia*, Geographical Handbook Series. Oxford 1945; Lorimer, *Gazetteer*, M. Freiherr von Oppenheim, *Die Beduinen*, ed. W. Caskel, Wiesbaden. 1967.

/ ج. پری (ایرانیکا) /

باه، واژه‌ای عربی به معانی جماع و نکاح (فراهیدی، ازهری، جوهری، ابن منظور، فیروزآبادی، ذیل «بوء» و «بوه»). برخی واژه‌شناسان آن را دگرگون شده باء (با تبدیل همزه به هاء) و گروهی تغییر یافته باء (با حذف همزه) یا تصحیف (و تلفظ عامیانه) آن و عده‌ای آن را از ریشه‌ای جدا از «بوء» می‌دانند (فتومی، طریخی و ابن منظور، ذیل «بوء»؛ ازهری ذیل «بوء» و «بوه»). این واژه در احادیث بندرت و به هر دو معنی آمده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۷۴، ۲۴، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴، ۲۲۰؛ ابن منظور و طریخی، ذیل «بوء»). از جمله کاربردهای رایج آن در عربی و فارسی عبارت است از: اصطلاح «قوة باه» به معنای غریزه جنسی و «علم الباه» که بخشی از علم پزشکی به‌شمار می‌رفته و درباره آن کتابها نوشته شده است (دهخدا، ذیل «باه»؛ حاجی خلیفه، ذیل «علم الباه»؛ فرهنگهای معین و آندراج و... ذیل «باه»). این مقاله در پنج بخش به نگرش اسلام نسبت به قوة باه و مباحث اخلاقی و فقهی آن می‌پردازد.

(۱) نگرش کلی. در قرآن (آل عمران: ۳۹؛ نساء: ۲۳-۲۷؛ مائده: ۶؛ اعراف: ۸۰-۸۴؛ یوسف: ۲۳-۳۴؛ حجر: ۵۸-۷۷؛ اسراء: ۳۲؛ مؤمنون: ۶-۷؛ نور: ۱-۲، ۳۰-۳۳، ۵۸-۶۰؛ شعراء: ۱۶۰-۱۷۵؛ نمل: ۵۴-۵۸؛ عنکبوت: ۲۸-۳۴؛ احزاب: ۳۵؛ شوری: ۱۱؛ تحریم: ۱۲؛ معارج: ۲۹-۳۱ و نیز — ادامه مقاله) توصیه‌هایی اخلاقی درباره مهار کردن غریزه باه، ماجراهای تاریخی و آموزنده و نیز برخی از احکام فقهی درباره باه، از جمله راههای مشروع آن، محدودیتهای باه (و مقدمات آن) — برای زن و شوهر یا به طور عام — و احکام حقوقی و کیفری

هم‌اکنون، باویها اسکان یافته‌اند و در دهستان پشت‌کوه باشت بابویی زندگی می‌کنند و مرکز اصلی آنان روستای بزرگ باشت شصت کیلومتری شرق بهبهان است (رزم‌آرا، ج ۶، ص ۳۶، ۷۶). دریند (ص ۲۷۷) جمعیت باویها را بیش از ۴۰۰۰، شیل^۱ (ص ۳۹۹) ۱۲۰۰، فسائی (ج ۲، ص ۲۷۰) بیش از ۱۵۰۰ و دمرنی^۲ (ص ۱۱۲) و کیهان (ج ۲، ص ۸۸) ۱۲۰۰ خانوار تخمین زده‌اند. براساس نوشته کیهان (همانجا)، علیشاهی، گشین، موسائی، برآفتابی و قلعه‌ای (یا عَمَلَه) تیره‌های باوی را تشکیل می‌دادند (برای وضع فعلی — باشت).

منابع: محمود باور، کوه گیلویه و ایلات آن، گجساران ۱۳۲۲ ش؛ حسینعلی رزم‌آرا، فرهنگ جغرافیائی ایران (آبادیه)، ج ۶: استان ششم (خوزستان و لرستان)، تهران ۱۳۵۵ ش؛ منوچهر ضرابی، طوایف کهگیلویه، فرهنگ ایران زمین، ج ۹ (۱۳۴۰ ش)، ص ۳۰۰-۳۰۱؛ حسن بن حسن نسائی، تاریخ فارسنامه ناصری، چاپ سنگی تهران ۱۳۱۳؛ مسعود کیهان، جغرافیای مفضل ایران، تهران ۱۳۱۰-۱۳۱۱ ش؛ C. A. De Bode, *Travels in Luristan and Arabistan*, London 1845; G. Demorgny, "Les réformes administratives en Perse: Les tribus du Fars", pt. 1. R. M. M., 22, (March 1913); *El*, s.v. "Lur" (by V. Minorovsky); M. L. Sheil, *Glimpses of life and manners in Persia*, London 1856.

/ پ. اُیرلینگ (ایرانیکا) /

باویه، از قبایل شیعی مذهب خوزستان. محل آنها در مشرق و جنوب اهواز، میان دو رود کارون و جَزّاحی، تا جنوب بند قیر و شمال مارِد است. جمعیت این قبیله در حدود ۱۳۲۰ ق، ۲۰۰۰۰ تن (۱۸۵۰۰ تن چادرنشین) و در دهه ۱۳۱۰ ش، ۲۳۲۰ خانوار تخمین زده شده است. قبلاً شتردار بودند، بتدریج آبادی‌نشین شدند و به پرورش دامهای دیگر نیز پرداختند. این قبیله از شش طایفه و پانزده تیره تشکیل می‌شود (لوریمر، ج ۲، ص ۱۱۹، ۲۹۳-۲۹۶؛ اینها، ج ۴، ص ۲۵، ۹۰؛ فیلد، ص ۱۹۰-۱۹۱؛ ایران^۳، ص ۳۷۸-۳۸۰).

قبیله باویه به تبار خود می‌بالد و نسب خود را تا پیش از اسلام به قهرمانی به نام مُهَلْهَل^۴ می‌رساند؛ اما تاریخ قدیم این قبیله در پرده ابهام است. به نظر می‌رسد که اصل آنها از بنی‌ربیعۀ بین‌النهرین باشد و اواخر قرن دهم همراه با بنی‌لام^۵ به ایران کوچ کرده باشند. منطقه این قبیله مجاور منطقه طایفه کعب (— بنی‌کعب^۶) در شمال شرقی آن قرار دارد. قبیله باویه با بنی‌کعب پیوند و رقابت دیرین و نیز گهگاه خصومت‌هایی داشته‌اند. در زمستان ۱۳۳۳ ق، همراه با چندین قبیله دیگر خوزستان، به قوای انگلیس، که اهواز را در تصرف داشتند و